

مبانی تحلیل هارمونیک

والتر پیستون

ترجمه اشکان غضنفریان

سرشناسه : پیستون، والتر، ۱۸۹۴-۱۹۷۶ م.
 Piston, Walter
 عنوان و نام پدیدآور : مبانی تحلیل هارمونیک / والتر پیستون؛
 ترجمه اشکان غضنفریان.
 مشخصات نشر : تهران: نشر سرود، ۱۴۰۴.
 مشخصات ظاهری : ۱۱۶ ص:، مصور، پارتیشن.
 شابک : 979-0-802645-52-3
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 یادداشت : عنوان اصلی: Principles of harmonic analysis, 1933
 موضوع : هارمونی
 Harmony :
 : آنالیز هارمونیک (موسیقی)
 Harmonic analysis (Music) :
 شناسه افزوده : غضنفریان، اشکان، ۱۳۶۳-، مترجم.
 رده‌بندی کنگره : MT ۵۰:
 رده‌بندی دیویی : ۷۸۱/۲۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۰۶۴۰۰۰



انتشارات سرود



تهران - میدان هفتم‌تیر - نرسیده به
 بهارشیراز - کوچه شاهرخ - شماره ۱۴
 تلفن: ۸۸۸۳۶۱۰۴ و ۸۸۳۱۸۵۹۱-۲
 ۰۹۱۰ ۳۰ ۸۸ ۴۰۰

www.sorood.ir

مبانی تحلیل هارمونیک : والتر پیستون
 ترجمه : اشکان غضنفریان
 نت‌نویسی و صفحه‌آرایی : مهرداد گرگین‌زاده
 طرح جلد : مهران رشاد
 نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
 شمارگان : ۲۰۰ نسخه
 شابک: ۹۷۹-۰-۸۰۲۶۴۵-۵۲-۳ ISMN: 979-0-802645-52-3

حق چاپ و نشر برای انتشارات سرود محفوظ است.

فهرست

۵	یادداشت مترجم	۵	ضمیمه (از سمت چپ کتاب ورق بخورد)
۷	مقدمه	۷	۱- باخ: پرلود شماره ۱
	فصل اول		
۹	متریال هارمونیک	۹	۲- باخ: کرال
۱۱	آکوردهای ساخته شده بر روی تونیک	۱۲	۳- باخ: سارا باندا
۱۷	آکوردهای ساخته شده بر روی سوپرتونیک	۱۵	۴- هایدن: منونت
۲۳	آکوردهای ساخته شده بر روی مدیانت	۲۰	۵- موتسارت: آندانت (بخش اول) از سونات در فا
۲۸	آکوردهای ساخته شده بر روی ساب دومینانت	۲۴	۶- بتهوون: اسکرتزو از سونات اپوس ۲، شماره ۳
۳۵	آکوردهای ساخته شده بر روی دومینانت	۳۰	۷- شومان: رومانس اپوس ۲۸، شماره ۲
۴۰	آکوردهای ساخته شده بر روی ساب مدیانت	۳۲	۸- شوپن: پرلود اپوس ۲۸، شماره ۹
۴۵	آکوردهای ساخته شده بر روی درجه هفتم	۳۶	۹- برامس: اینترمتزو اپوس ۱۱۹، شماره ۱
	فصل دوم		۱۰- فرانک: فراگمنت از کوارتت زهی
۴۹	متریال کُنترپوانی		
	فصل سوم		
۶۱	مدولاسیون		
	فصل چهارم		
۷۲	قرن بیستم		
۷۲	رفتار متریال هارمونیک		
۷۴	رفتار متریال کُنترپوانی		
۷۵	تُنالیتِه و مُدالیتِه		
۷۶	پُلی تُنالیتِه و اَتُنالیتِه		
۷۶	سبک های مختلف		

فصل اول

متریال هارمونیک

مهم‌ترین اظهارنظر درباره یک آکورد معین، مربوط به چیدمان آن از نظر فواصل بین نت‌ها و غیره نیست، بلکه به ارتباط آن با بقیه موسیقی مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، مثلاً ماژور یا مینور بودن یک آکورد اهمیت کمتری دارد تا این که یک آکورد تونیک یا ساب‌دومینانت باشد. بنابراین لازم است که به هر آکورد علامتی داده شود که درجه پایه آن در گام و ضمناً ثنالیته آن را نشان دهد. به نظر می‌رسد که سیستم اعداد رومی به خوبی هر سیستم دیگری باشد، علاوه بر این که دارای مزیت استفاده عمومی است. با توجه به این که یک درجه مشخص از گام، به عنوان پایه، آکوردهای متنوع و متعددی را تشکیل می‌دهد در نتیجه همگی این آکوردها دارای یک عدد رومی یکسان خواهند بود، بنابراین توصیه می‌شود که از سیستم تغییر سائز این اعداد، با توجه به نوع فواصل آکورد، صرف‌نظر گردد.

هنگامی که از شیفره در این کتاب استفاده می‌شود، اشاره به فواصل ایجاد شده بین نتِ باس و سایر صداهای آکورد مد نظر است، به عنوان مثال، شش، پنج، سه، برای نشان دادن اولین و ارونگی یک آکورد هفتم به کار رفته است.^۱

فهرست جامعی که در ادامه این کتاب ارائه خواهد شد شامل ماهیت و فرم آکوردها در هر درجه گام است و باید به عنوان فهرست آکوردهای متداول در نظر گرفته شود. درست است که تغییرات گروماتیکی دیگری نیز وجود دارد، اما آن‌ها باید به عنوان استثنا در نظر گرفته شوند. این استثناها در برخی موارد رفتاری شخصی یا ملی است و در موارد دیگر ممکن است «مدرنیسم» نامیده شود. آن‌ها نباید به عنوان اشتباهی از سوی آهنگساز یا مواردی از «قانون شکنی» در نظر گرفته شوند، بلکه به عنوان انحراف از قواعد مشترک است، و کشف آن، یک محصول فرعی آموزنده و جالب توجه از فرآیند تحلیل هارمونیک است.

۱- لازم به یادآوری است که در برخی ترجمه‌ها، توالی این اعداد به صورت از پایین به بالا ارائه شده است، مثلاً برای ورونگی اول آکورد هفتم از سه، پنج، شش استفاده شده است. /م

آکوردهای ساخته شده بر روی تونیک



تفاوت بین مدهای ماژور و مینور با داشتن یک تونیک یکسان، خود را در این مسئله خلاصه می‌کند که آیا درجه سوم ماژور بیشتر به کار گرفته شده است یا سوم مینور. اما نمی‌توان گفت که درجه ششم مینور (لابمل در گام دو) نشانه‌ای بر مینور بودن این مد است، زیرا اغلب در مد ماژور نیز ظاهر می‌شود؛ به ویژه در قرن نوزدهم. در واقع، زمانی که سبک ساخت اثر، تا حدی کروماتیک باشد، این دو مد عملاً قابل جایگزینی هستند.

نمونه ۱

Mozart
Romanza



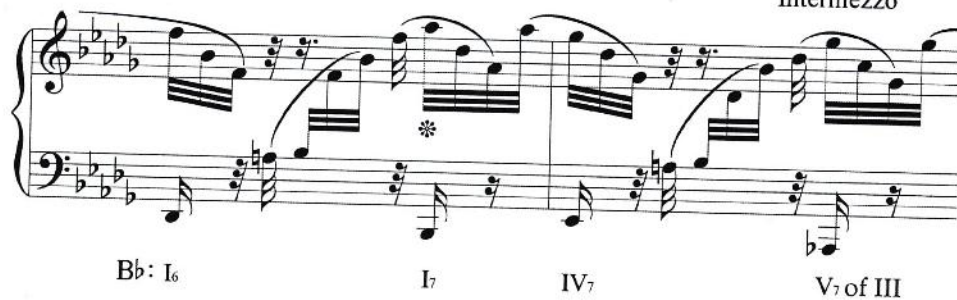
نمونه ۲

Händel
Suite for Harpsichord



نمونه ۳

Brahms Op 117, No. 2
Intermezzo



این آکورد معمولاً به عنوان یک تریاد معمولی قابل توضیح است، و هفتم آن یک صدای غیرهارمونیک است که در اکتاو حل می شود، به همین دلیل توسط بسیاری از نظریه پردازان به عنوان یک آکورد پذیرفته نیست.

نمونه ۴

Wagner
"Die Meistersinger" (Act I)

G: V_4 of V V_7 I V_7 of V V_7

5.

V_7 of IV

نمونه ۵

Beethoven
Symphony No. 1

C: V_7 of IV IV V_7 VI V_7 of V V

در این جا به وضوح استفاده دومینانت متعلق به ساب دومینانت به عنوان عاملی برای تثبیت تنالیت دو ماژور نشان داده شده است. گفتن این که این موومان در فا ماژور شروع می شود، نسبت دادن قدرت نابه جا به نت سی بمل است.

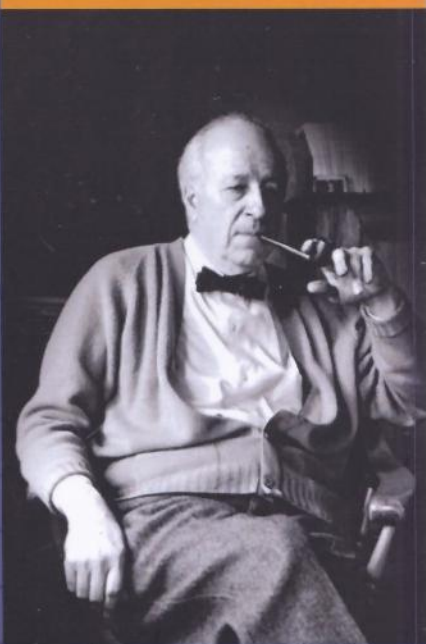
6.

V_9 of IV

آکوردهای نهم معمولاً در همه درجات، به شکل دومینانت تشخیص داده می شوند؛ البته به جز در آثار مرتبط با یک دوره بعدتر از زمانی که ما در این جا مطالعه می کنیم. هنگامی که آن ها دومینانت نباشند، در بهترین وجه به عنوان آکوردهایی متشکل از صداها ی غیرهارمونیک تحلیل می شوند.

والتر پیستون در این کتاب به دنبال ایجاد نظام یا استاندارد برای تحلیل هارمونیک است؛ ارائه تبیینی شایسته از مبانی هارمونی حاکم بر دوران قواعد مشترک. در میان آهنگسازان آمریکایی اواسط قرن بیستم که در پی کشف مبانی موسیقی سنتی بودند، وی به عنوان یک پیشرو محسوب می‌شود. اگرچه شاید بیشتر به عنوان یک معلم و نویسنده کتاب هارمونی شناخته شود تا یک آهنگساز، اما موسیقی‌اش تأثیرگذاری بسزایی را بر نئوکلاسیک سده بیستم داشته است.

تحلیل هارمونیک چیزی بیش از تشریح آکوردها به صورت تکی است. در جنبه‌های گسترده‌تر آن، فرآیندی است که شامل مطالعه شکل، تناسبات، و ساختمان نهفته یک قطعه موسیقی و همچنین بافت ظاهری‌تر آن است. تحلیل هارمونیک برای هنرجویان هر شاخه‌ای از موسیقی ضروری است و باید همزمان با مطالعه هارمونی شروع شود، مرحله‌ای که برای جلوگیری از سردرگمی در ذهن دانشجو بین نوشتن تمرینات هارمونی و ساخت موسیقی مفید خواهد بود. با نشان دادن چگونگی انحراف و تغییر رویه هر آهنگساز از قواعد مشترک، ارزش واقعی تمرینات هارمونی در این طرح مشخص خواهد شد؛ یعنی کمک به ایجاد یک معیار یا استاندارد با استفاده عملی از رویه مشترک برای همه.



انتشارات بهرود

ISMN: 979-0-802645-52-3



9 790802 645523